

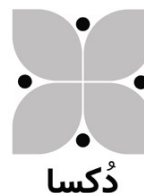
دوراهی‌های اخلاقی

سرشناسه: مک کانل، ترنس سی.، ۱۹۴۸-م. -McConnell, Terrance C., 1948-
عنوان و نام پدیدآور: دوراهی‌ها یا اقی / ترنس مک کانل؛ ترجمه سیدمحمد حسینی؛ با مقدمه حسین بیات.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۴.
شخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۹۱-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای با عنوان "Moral-dilemmas" از دایرةالمعارف
"Stanford encyclopedia of philosophy" است.
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۷-۱۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: نمایه.
موضوع: مسائل اخلاقی [Ethical problems]؛ اخلاق [Ethics]
شناسه افزوده: حسینی، سیدمحمد، ۱۳۷۲ مرداد -، مترجم
شناسه افزوده: بیات، حسین، ۱۳۵۳ خرداد -، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره: BJ۱۰۳۱
رده بندی دیویی: ۱۷۰
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۰۸۷۱۹۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

دوراهی‌های اخلاقی

ترنس مک کانل

مترجمان: حمیده ب. رینی و سید محمد حسینی
با مقدمه حسین بیات



عنوان: دوراهی‌های اخلاقی

نویسنده: ترنس مک کانل

مترجمان: حمیده بحرینی و سید محمد حسینی

با مقدمه: حسین بیات

طراح جلد: فرشید خالقی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۹۱-۴

موسسه فرهنگی دیدگاه کاوش و سازندگی دُکسا

نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

Email: publication@doxa-v.org

تلفن: ۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

 doxa__vision

www.doxa-v.org

به کاوه بهبهانی،
برای مهربانی‌های بی دریغ‌اش.

فهرست

مقدمه	۹
دوراهی‌های اخلاقی (ترنس مک‌کانیل)	۴۵
۱. مثال‌ها	۴۵
۲. مفهوم دوراهی‌های اخلاقی	۴۷
۳. مشکلات	۴۸
۴. دوراهی‌ها و مسئله سازگاری	۵۱
۵. پاسخ‌هایی به این دو استدلال	۹۵
۶. ته‌مانده اخلاق و دوراهی‌ها	۶۶
۷. انواع دوراهی‌های اخلاقی	۷۵
۸. اصول اخلاقی متکثر	۸۳
۹. نتیجه‌گیری	۸۷
منابع	۸۹
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۱۰۱
نمایه	۱۰۵

مقدمه

ماهیت و اهمیت دوراهی‌های اخلاقی

در نهم آوریل ۲۰۰۴، مردی با رستوران مک‌دونالد در شهر مانت واشنگتن ایالت کنتاکی آمریکا تماس می‌گیرد و خودش را به خانم سامرز^۱، دستیار ۵۱ ساله مدیر رستوران، «پلیس مخفی» معرفی می‌کند و اطلاع می‌دهد که یکی از کارمندان شما دزدی کرده است. او توضیح می‌دهد که موضوع را با دفتر مرکزی مک‌دونالد و مدیر رستوران در میان گذاشته و با آن‌ها هماهنگ است. او توصیف کلی و مبهمی از مشخصات متهم ارائه می‌دهد و مدعی می‌شود که متهم دختری نوجوان است. خانم سامرز به یکی از کارمندانش مظنون می‌شود (ما برای مخفی ماندن هویتش او را «سوزان» می‌نامیم) و «پلیس مخفی» به خانم سامرز دستور می‌دهد تو باید سوزان را به اتهام سرقت وارسی بدنی کنی، در غیر این صورت او بازداشت شده و در زندان تحت بازجویی قرار خواهد گرفت.

آنچه خواندید بخشی از یک ماجرای پلیسی است که آندرو ولفسون خبرنگار تحقیقی مجله کوریر^۲ آن را با نام «یک

1. Summers

2. The Courier-Journal

حقه‌بازی بی‌رحمانه» در اکتبر ۲۰۰۵ گزارش کرد. گزارشی تکان‌دهنده درباره‌ی نوعی جُرم و بزه اجتماعی که مدتی در صدر خبرهای آمریکا بود و به‌زودی موضوع تحلیل‌ها و بررسی‌های کارشناسان در حوزه‌های مختلف شد. از جمله الیوت آرنسون^۱ و همکارانش آن را در فصل هشتم کتاب روان‌ناسی اجتماعی (ویرایش نهم، ۲۰۱۶) در ذیل مبحث «همنوایی»^۲ تحلیل و ارزیابی کردند. اجازه دهید ابتدا بقیه‌ی ماجرا را از همین کتاب بخوانیم و بعد به نکته‌ی مهمی از آن برگردیم و بحث دوراهی‌های اخلاقی را بر اساس آن پیش ببریم.

ممکن است همه‌ی این‌ها به نظرتان کمی عجیب باشد. برای خودِ خانم سامرز هم در ابتدا همه‌چیز عجیب و غریب بود. او می‌گوید: «ابتدا کمی گیج شده بودم، اما تماس‌گیرنده به‌قدری مطمئن حرف می‌زد و اطلاعاتش به‌قدری قانع‌کننده بود که باور کردم و دستوراتش را اجرا کردم. بالاخره او یک پلیس بود و همه‌ی ما باید از پلیس اطاعت کنیم. در طول تماس تلفنی حتی صدای بی‌سیم پلیس را در پس‌زمینه می‌شنیدم.» سامرز می‌دانست که سوزان تنها ۱۸ سال دارد و مدتی هم کارمند نمونه شده، با این حال طبق دستور «پلیس» او را با خودش به اتاق کوچکی می‌برد و در را قفل می‌کند و طبق دستور از سوزان می‌خواهد تا لباس‌هایش را یکی‌یکی در بیاورد و همان‌جا برهنه بایستد. سپس تمام لباس‌های او را در کیسه‌ای می‌گذارد و به بیرون از اتاق می‌برد. سوزان به‌خاطر این اتهامات و رفتار سامرز مبهوت می‌شود و حسابی می‌ترسد و به‌خاطر برهنه‌شدن تحقیر می‌شود و مدام گریه

1. Elliot Aronson

2. conformity

می‌کند. این وضعیت ساعت‌ها ادامه می‌یابد و در این مدت او هدف تحقیر و سوءاستفاده جنسی بیشتری قرار می‌گیرد (روان‌شناسی اجتماعی، الیوت آرنسون، ۴۶۵).

سوزان اولین کارمند رستوران نبود که به این شکل قربانی می‌شد. آرنسون با ارجاع به چند پژوهش انجام‌شده بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۹ تا زمان انجام آن پژوهش‌ها، مدیران ۷۰ رستوران زنجیره‌ای مختلف در ۳۲ ایالت آمریکا این تماس‌های تلفنی را دریافت کرده و از دستورات تماس‌گیرنده اطاعت کرده‌اند. همان‌طور که احتمالاً حدس زده‌اید، پلیسی در کار نبوده و تماس‌گیرنده، حقه‌بازی بی‌رحم بوده است. او در این مدت بارها مرتکب این بازی بی‌رحمانه شده بود.

سوزان یک ساعت بود که برهنه در اتاق کوچک و در بسته ایستاده بود. خانم سامرز از پلیس اجازه می‌گیرد تا برای نظارت به کارهای رستوران به آشپزخانه برگردد. «پلیس» به این شرط می‌پذیرد که شخص دیگری را برای محافظت از سوزان جایگزین کند. سامرز با نامزدش، که مردی ۴۲ ساله به نام والتر نیکس^۱ بوده تماس می‌گیرد و از او می‌خواهد به رستوران بیاید.

حالا آقای نیکس با نوجوان برهنه و وحشت‌زده محبوس در اتاق، تنهاست. در این مرحله، وقایع حتی عجیب‌تر و نگران‌کننده‌تر می‌شوند. آقای نیکس نیز مانند خانم سامرز حرف‌های «پلیس» را باور می‌کند و حتی بیش از سامرز

1. Walter Nix

مطیع اوامر «پلیس» می شود. به طوری که وقتی «پلیس» از او می خواهد که سوزان را مجبور کند تا به خواسته های جنسی مختلف تن دهد، نیکس این خواسته های بی شرمانه را اجابت می کند. تماس گیرنده حتی مستقیماً با سوزان صحبت می کند و او را تهدید می کند که اگر با نیکس همکاری نکند بازداشت خواهد شد. (همان)

سوزان بعد از رهایی از این مخمصه می گوید: «من ترسیده بودم، زیرا آن ها مقام بالاتری داشتند و من باید اطاعت می کردم.» این وصفِ حالِ سوزان برای ما مهم است. همان نکته مهمی که پیش از این به آن اشاره کردیم و گفتیم درباره آن سخن خواهیم گفت. در واقع، پرسش اساسی مرتبط با اخلاق و روان شناسی اخلاق این است که چرا سوزان به فرمان های بی ربط، غیر اخلاقی و فاجعه بار رئیسش، خانم سامرز، و آن پلیس نمای مزاحم تن داد؟ خودش می گوید: «چون من ترسیده بودم و آن ها مقام بالاتری داشتند و باید اطاعت می کردم.» اما آیا «ترس» یا «وظیفه فرمانبری از مافوق» تبیین و توجیه معقولی برای این واکنش فاجعه بار سوزان است؟ البته ترس و اضطراب، در چنین موقعیت هایی، طبیعی و قابل درک است. چون سوزان همزمان هدف چند تهدید جدی قرار گرفته بود: تهمت و توهین (حمله ضد اخلاقی به شخصیت و حیثیت اجتماعی)، اتهام زنی و خطر اخراج و توبیخ (تهدید حقوقی و نهادی از جانب پلیس و دستیار مدیر رستوران) و، از همه مهم تر، تحقیر، خشونت و تعرض جنسی (آسیب های روانی جدی). اما پرسش دقیق تر اینجاست که چرا این ترس، به خصوص در دقایق نخست، به قدری غالب بوده که موجب شده سوزان خود را اصطلاحاً «ببازد» و تسلیم